

جمله «لیضل» ممکن است هدف این اعراض و رویگردانی باشد، یعنی آنها برای گمراه ساختن مردم آیات و هدایت‌های الهی را به هیچ می‌گیرند، و ممکن است نتیجه آن گردد، یعنی محصول بی‌اعتنائی آنها این است که مردم را از راه حق باز می‌دارند.

به هر حال، سپس کیفر شدید آنها را در دنیا و آخرت به این صورت تشریح می‌کند: «بهره آنها در این دنیا رسوائی و بدبختی است، و در قیامت عذاب سوزنده را به آنها می‌چشانیم» (له فی الدنيا خزی و نذیقه یوم القیمة عذاب الحریق).

و به او می‌گوئیم: «این نتیجه چیزی است که دست‌هایت از پیش برای تو فرستاده است» (ذلک بما قدمت یداک).

«و خداوند هرگز به بندگان ظلم و ستم نمی‌کند» (و ان الله لیس بظلام للعبید).

نه کسی را بی‌جهت کیفر می‌دهد، و نه بر میزان مجازات کسی بدون دلیل

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۱

می‌افزاید، و برنامه او عدالت محض و محض عدالت است. این آیه از آیاتی است که هم مذهب جبریون را نفی می‌کند و هم اصل عدالت را در مورد افعال خدا اثبات می‌نماید. (برای توضیح بیشتر به جلد سوم تفسیر نمونه صفحه ۱۹۵ - ذیل آیه ۱۸۲ آل عمران - مراجعه کنید).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۲

آیه ۱۱ - ۱۴

آیه و ترجمه

و من الناس من یعبد الله علی حرف فان اصابه خیر اطمان به و ان اصابته فتنة انقلب علی وجهه خسر الدنيا و الاخرة ذلک هو الخسران المبین ۱۱
یدعوا من دون الله ما لا یضره و ما لا ینفعه ذلک هو الضلل البعید ۱۲
یدعوا لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولی و لبئس العشیر ۱۳

ان الله يدخل الذين آمنوا و عملوا الصلحت جنت تجري من تحتها الانهر ان الله يفعل ما يريد ۱۴

ترجمه :

۱۱ - بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می پرستند (و ایمان قلبیشان بسیار ضعیف است) همین که دنیا به آنها رو کند و نفع و خیری به آنان رسد حالت اطمینان پیدا می کنند اما اگر مصیبتی به عنوان امتحان به آنها برسد دگرگون می شوند و به کفر رو می آورند! و به این ترتیب هم دنیا را از دست داده اند و هم آخرت را و این خسران و زیان آشکاری است!

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۳

۱۲ - او جز خدا کسی را می خواند که نه زبانی به او می رساند، و نه سودی، این گمراهی بسیار عمیقی است!

۱۳ - او کسی را می خواند که زیانش از نفعش نزدیکتر است، چه بد مولا و یآوری، و چه بد مونس و معاشری!

۱۴ - خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند در باغهایی از بهشت وارد می کند که نهرها زیر درختانش جاری است (آری) خدا هر چه را اراده کند انجام می دهد.

تفسیر:

آنها که بر لب پرتگاه کفرند!

در آیات گذشته سخن از دو گروه در میان بود گروه پیروان گمراه، و رهبران گمراه کننده، اما در آیات مورد بحث سخن از گروه سوم است که همان افراد ضعیف الایمان هستند.

قرآن در توصیف این گروه چنین می گوید: «بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می پرستند اما ایمان قلبی شان بسیار سطحی و ضعیف است» (و من الناس من یعبده الله علی حرف).

تعبیر به «علی حرف» ممکن است اشاره به این باشد که ایمان آنها بیشتر بر زبانیشان است، و در قلبیشان جز نور ضعیف بسیار کمرنگی از ایمان نتابیده است.

و ممکن است اشاره به این باشد که آنها در متن ایمان و اسلام قرار ندارند بلکه در کنار و لبه آنند، زیرا یکی از معانی حرف لبه کوه و کناره اشیاء است و

می‌دانیم کسانی که در لبه چیزی قرار گرفته‌اند مستقر و پا بر جا نیستند، و با تکان مختصری از مسیر خارج می‌شوند، چنین است حال افراد ضعیف الایمان که با کوچکترین چیزی ایمانشان بر باد فنا می‌رود. سپس قرآن به تشریح تزلزل ایمان آنها پرداخته می‌گوید: «آنها چنانند که اگر دنیا به آنها رو کند و نفع و خیری به آنان برسد حالت اطمینان پیدا

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۴

می‌کنند! و آن را دلیل بر حقانیت اسلام می‌گیرند، اما اگر به وسیله گرفتاریها و پریشانی و سلب نعمت مورد آزمایش قرار گیرند دگرگون می‌شوند و به کفر رومی‌آورند! (فان اصابه خیر اطمان به و ان اصابته فتنه انقلب علی وجهه).

گوئی آنها دین و ایمان را به عنوان یک وسیله نیل به مادیات پذیرفته‌اند که اگر این هدف تاءمین شد دین را حق می‌دانند و گر نه بی اساس!

«ابن عباس» و جمعی دیگر از مفسران پیشین در شأن نزول این آیه چنین نقل کرده‌اند که گاهی گروهی از بادیه نشینان خدمت پیامبر می‌آمدند، اگر حال جسمانی آنها خوب می‌شد، اسب آنها بچه خوبی می‌آورد، زن آنها پسر می‌زائید و اموال و چهار پایان آنان فزونی می‌گرفت خشنود می‌شدند و به اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عقیده پیدا می‌کردند! اما اگر بیمار می‌شدند، همسرشان دختر می‌آورد و اموالشان رو به نقصان می‌گذاشت و سوسه‌های شیطانی قلبشان را فرا می‌گرفت و به آنها می‌گفت تمام این بدبختیها بخاطر این آئینی است که پذیرفته‌ای و آنها هم روی گردان می‌شدند!

قابل توجه اینکه قرآن در مورد روی آوردن دنیا به این اشخاص تعبیر به خیر می‌کند، و در مورد پشت کردن دنیا تعبیر به فتنه (وسيله آزمایش) نه شر اشاره به اینکه این حوادث ناگوار شر و بدی نیست، بلکه وسیله‌ای است برای آزمایش.

و در پایان آیه اضافه می‌کند و «به این ترتیب آنها هم دنیا را از دست داده‌اند و هم آخرت را» (خسر الدنيا و الآخرة).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۵

«و این روشنترین خسران و زیان است که انسان هم دینش بر باد رود و هم دنیایش» (ذلک هو الخسران المبین).

در حقیقت این گونه افراد دین را تنها از دریچه منافع مادی خود می‌نگریستند و معیار و محک حقانیت آن را روی آوردن دنیا می‌پنداشتند، این گروه که در عصر و زمان ما نیز تعدادشان کم نیست، و در هر جامعه‌ای وجود دارند، ایمانی آلوده به شرک و بت پرستی دارند منتها بت آنها همسر و فرزند و مال و ثروت و گاو و گوسفند آنها است و بدیهی است که چنین ایمان و اعتقادی سست‌تر از تار عنکبوت است!

البته بعضی از مفسران این آیه را اشاره به منافقان دانسته‌اند، اگر منظور منافقی باشد که به هیچ وجه ایمان در دل او نیست این بر خلاف ظاهر آیه است، زیرا جمله «یعبد الله» و همچنین «اطمان به» و جمله «انقلب علی وجهه» نشان می‌دهد قبلاً ایمان ضعیفی داشته است و اگر منظور منافقانی است که بهره‌بسیار کمی از ایمان دارند با آنچه گفتیم منافاتی ندارد و قابل قبول است.

آیه بعد به عقیده شرک‌آلود این گروه مخصوصاً بعد از انحراف از توحید و ایمان به خدا اشاره کرده می‌گوید: «او جز خدا کسی را می‌خواند که نه زبانی می‌تواند به او برساند و نه سودی» (یدعوا من دون الله ما لا یضره و لا ینفعه) اگر به راستی او خواهان منافع مادی و گریزان از زیان است، و به همین دلیل معیار حقانیت دین را اقبال و ادبار دنیا می‌گیرید، پس چرا به سراغ بت‌هایی می‌روید که نه امیدی به نفعشان است، نه ترسی از زیانشان، موجوداتی بی‌خاصیت و فاقد هر گونه اثر در سرنوشت انسانها؟!!

آری «این گمراهی بسیار عمیقی است» (ذلک هو الضلال البعید). فاصله آن از خط صراط مستقیم آنچنان زیاد است که امید بازگشتشان به سوی حق بسیار کم است.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۶

باز مطلب را از این فراتر برده می‌گوید: «او کسی را می‌خواند که زیانش از نفعش نزدیکتر است»! (یدعوا لمن ضره اقرب من نفعه). چرا که این معبودهای ساختگی در دنیا فکر آنها را به انحطاط و پستی و خرافات سوق می‌دهند، و در آخرت آتش سوزان را برای آنها به ارمغان می‌آورند

بلکه آنگونه که در آیه ۹۸ سوره انبیاء خواندیم «این بتها خود آتشگیره‌ها و هیزم جهنمند»! (انکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم). و در پایان آیه اضافه می‌کند «چه بد مولا و یاوری هستند این بتها، و چه بدمونس و معاشری» (لبئس المولی و لبئس العشیر). در اینجا این سؤال پیش می‌آید که در آیه قبل هر گونه سود و زیان بتها را نفی می‌کند اما در این آیه می‌گوید زیانش از نفعش نزدیکتر است آیا این دو بایکدیگر سازگار است؟

در پاسخ باید گفت: این در گفتگوها معمول است که گاه در یک مرحله موجودی را بی خاصیت می‌شمرند، پس از آن ترقی کرده آن را منشاء زیان می‌دانند درست مثل اینکه می‌گوئیم با فلان شخص معاشرت نکن که نه به درد دین تو می‌خورد نه به درد دنیا، و بعد ترقی می‌کنیم و می‌گوئیم بلکه مایه بدبختی و رسوائی تو است، بعلاوه زیانی که نفی شده زیان به دشمنان آنهاست زیرا آنها قادر نیستند ضرری به مخالفان بزنند، اما زیانی که اثبات شده یک زیان قهری است که دامان عابدان آنها را می‌گیرد.

ضمناً صیغه افعّل تفضیل (کلمه اقرب) چنانکه در جای دیگر هم گفته‌ایم الزاماً به معنی وجود صفتی در طرفین مورد مقایسه نیست و ای بسا طرف ضعیفتر اصلاً فاقد آن باشد، مثلاً می‌گوئیم: یک ساعت صبر و شکیبائی در برابر گناه بهتر از آتش دوزخ است (هرگز مفهوم این سخن آن نیست که آتش دوزخ خوب است

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۷

ولی صبر و شکیبائی از آن بهتر است، بلکه آتش دوزخ اصلاً فاقد هر گونه خوبی است).

این تفسیر را جمعی از مفسران بزرگ مانند «شیخ طوسی» در «تبیان» و «طبرسی» در «مجمع البیان» انتخاب کرده‌اند.

در حالی که بعضی دیگر همچون «فخر رازی» این احتمال را نیز در تفسیر آیه داده‌اند که هر یک از این دو آیه اشاره به گروهی از بتها است آیه نخست بت‌های سنگی و چوبی بی‌جان را می‌گوید و آیه دوم طاغوتها و انسانهای بت‌گونه، گروه اول نه سودی دارند و نه زیانی، بلکه کاملاً بی‌خاصیتند، ولی گروه دوم یعنی «أئمة ضلال» زیان دارند و خیری در آنها نیست، و به

فرض که خیر اندکی داشته باشند زیانشان به مراتب بیشتر است (جمله لبئس المولی و لبئس العشیر را نیز گواه این معنی گرفته‌اند) و به این ترتیب تضادی باقی نمی‌ماند.

و از آنجا که روش قرآن این است که مسائل نیک و بد را در مقایسه با هم بیان کند تا نتیجه‌گیری آن کاملتر و روشنتر باشد در آخرین آیه مورد بحث می‌فرماید: «خداوند کسانی را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که نه‌رها زیر درختانش جاری است» (ان الله یدخل الذین آمنوا و عملوا الصالحات جنات تجری من تحتها الانهار). برنامه آنها روشن، خط فکری و عملی آنها مشخص، مولای آنها خدا و همدم و مونسشان انبیاء و شهداء و صالحان و فرشتگان خواهند بود. آری «خدا هر چه را اراده کند انجام می‌دهد» (ان الله یفعل ما یرید). این پاداشهای بزرگ برای او سهل و آسان است، همانگونه که مجازات

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۸

مشرکان لجوج و رهبران گمراهشان برای او ساده است. در این مقایسه در حقیقت گروهی که تنها ایمان بر زبانشان قرار دارد در کنار ه‌دین قرار گرفته‌اند و با جزئی و سوسه منحرف می‌شوند و عمل صالحی نیز ندارند، اما مؤمنان صالح در متن اسلامند و سخت‌ترین طوفانها تکانشان نمی‌دهد، درخت ایمانشان ریشه دار و میوه اعمال صالح بر شاخسار آن آشکار است، این از یکسو.

از سوی دیگر معبودهای گروه اول بی‌خاصیت‌اند بلکه زیانشان بیشتر است امامولا و سرپرست گروه دوم بر همه چیز قدرت دارد و برترین نعمتها را برای آنها فراهم ساخته است.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۹

آیه ۱۵ - ۱۷

آیه و ترجمه

من کان یظن ان لن ینصره الله فی الدنیا و الآخرة فلیمدد بسبب الی السماء
ثم لیقطع فلینظر هل یدهبن کیده ما یغیظ ۱۵
و کذلک انزلناه ایت بینت و ان الله یمهدی من یرید ۱۶

ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصبین و النصری و المجوس و الذین اءشركوا
ان الله یفصل بینهم یوم القیمة ان الله علی کل شیء شهید ۱۷
ترجمه :

۱۵ - هر کس گمان می کند که خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد (و از این نظر عصبانی است هر کاری از دستش ساخته است بکند) ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد و خود را از آن آویزان نماید و نفس خود را قطع کند! (و تالب پرتگاه مرگ پیش رود) ببیند آیا این کار خشم او را فرو می نشاند؟!

۱۶ - اینگونه ما قرآن را به صورت آیات روشن نازل کردیم و خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند.

۱۷ - کسانی که ایمان آورده اند و یهود و صابئان و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند در میان

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۰

آنها روز قیامت داوری می کند و حق را از باطل جدا می سازد، خداوند بر هر چیز گواه است (و از همه چیز آگاه).

شاء نزول:

بعضی از مفسران در شاء نزول نخستین آیه از آیات فوق چنین نقل کرده اند: گروهی از قبیله «بنی اسد» و «بنی غطفان» که با پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) پیمان بسته بودند گفتند ما می ترسیم خدا سرانجام محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را یاری نکند و در نتیجه رابطه ما با هم پیمانهایمان از یهود قطع شود و آنها به ما مواد غذائی ندهند، آیه فوق نازل شد و به آنها اخطار کرد و آنها را سخت مذمت نمود.

بعضی دیگر گفته اند گروهی از مسلمانان به خاطر شدت غضب بر کفار، برای پیروی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیقراری و بیتابی می کردند و می گفتند: چرا وعده خدا در این زمینه تحقق نمی یابد؟ آیه نازل شد و آنها را براین بی صبری ملامت کرد.

تفسیر:

رستاخیز پایان همه اختلافات

از آنجا که در آیات گذشته سخن از گروه ضعیف الایمان بود در آیات مورد

بحث‌نیز چهره دیگری از آنها را ترسیم کرده می‌گوید: «کسی که گمان می‌کند خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد، و در خشم و غیظ فرو رفته هرکاری از دستش ساخته است انجام دهد، ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد و خود را از آن آویزان کند، و نفس خود را قطع نماید و تا سر حد مرگ پیش رود ببیند آیا این کار خشم او را فرو می‌نشاند» (من کان یظن ان لن ینصره الله فی الدنیا و الاخرة فلیمدد بسبب الی السماء ثم لیقطع فلینظر هل یدهبن کیده مایغیظ).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۱

این تفسیر را گروه کثیری از مفسران برگزیده، یا به عنوان یک احتمال قابل ملاحظه ذکر کرده‌اند.

طبق این تفسیر ضمیر «لن ینصره الله» به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باز می‌گردد، و «سما» به معنی سقف خانه است (چون «سما» به هر چیزی که در جهت فوق قرار داشته باشد اطلاق می‌گردد) و جمله «لیقطع» به معنی خفکان و قطع نفس و پیش رفتن تا سر حد مرگ است. احتمالات مختلف دیگری نیز در تفسیر این آیه داده شده است که ذکر همه آنها لزومی ندارد ولی از میان آنها دو تفسیر قابل ملاحظه است:

۱ - منظور از «سما» همان «آسمان» است، یعنی: «اینگونه اشخاصی که تصور می‌کنند خدا پیامبرش را یاری نخواهد کرد به آسمان بروند، و طنابی به آن آویزان کنند، و خود را در میان زمین و آسمان به دار کشند تا نفسشان بریده شود (یا طنابی را که به آن آویزان شده‌اند قطع کنند تا از همانجا سقوط نمایند) ببینند آیا این کار خشمشان را فرو می‌نشاند؟!»

۲ - ضمیر مذکور، به خود این اشخاص باز گردد (نه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یعنی: «کسانی که فکر می‌کنند خدا آنها را یاری نمی‌کند، و روزیشان بر اثر ایمان آوردن قطع می‌گردد، هر کاری از دستشان ساخته است انجام دهند، به آسمان بروند خود را با ریسمانی آویزان نمایند سپس این ریسمان را قطع کرده تا سقوط کنند، آیا این کارها خشمشان را فرو می‌نشاند؟!»

مطلب قابل توجه اینکه تمام این تفسیرها به یک نکته روانی در ارتباط با افراد کم حوصله و عصبانی و ضعیف الایمان اشاره می‌کند که آنها وقتی

کارشان ظاهرابه بن بست می رسد فوراً دستپاچه می شوند و تصمیمهای جنون آمیز می گیرند:

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۲

گاه مشّت بر در و دیوار می کوبند.
گاه می خواهند زمین را بشکافند و زیر آن پنهان شوند.
و سرانجام برای خاموش کردن آتش خشم خویش تصمیم به انتحار و خود آکشی می گیرند، در حالی که هیچیک از این اعمال جنون آمیز مشکل آنها را حل نمی کنند، اگر کمی خونسرد باشند، صبر و حوصله به خرج دهند و با نیروی ایمان به خدا و اعتماد به نفس و شکیبائی و استقامت به جنگ مشکلات بر خیزند حل آن قطعاً ممکن است.
آیه بعد اشاره به یک جمع بندی در آیات گذشته کرده می گوید: «اینگونه ما قرآن را به صورت آیات بینات و نشانه های روشن نازل کردیم» (و کذلک انزلناه آیات بینات).
دلائلی برای معاد و رستخیز همچون بررسی دوران جنینی انسان، و رشد گیاهان، و زنده شدن زمینهای مرده، که همگان را به مساءله معاد آشنا می سازد و دلائلی همچون بی خاصیت بودن بتها، و سرانجام کار کسانی که دین را وسیله جلب منافع مادی قرار می دهند.
ولی با اینهمه، داشتن دلائل روشن به تنهایی کافی نیست بلکه آمادگی پذیرش حق نیز لازم است، به همین دلیل در پایان آیه می گوید: «و خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند» (و ان الله یهدی من یرید).
بارها گفته ایم که خواست خدا بی حساب نیست، او حکیم است و همه کارهایش دارای حساب، هر کس که در راه او به مجاهده بر خیزد، و از اعماق جان خواستار هدایت باشد، خدا او را به وسیله آیات بیناتش راهنمایی می کند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۳

آخرین آیه مورد بحث به شش گروه از پیروان مذاهب مختلف که یک گروه مسلم و مؤمنند، و پنج گروه غیر مسلمان اشاره کرده می فرماید: «کسانی که ایمان آورده اند، و یهود، و صابئان، و نصارا، و مجوس، و مشرکان، خداوند در میان آنها روز قیامت داوری می کند، و حق را از باطل جدا

می سازد» (ان الذین آمنوا والذین هادوا و الصابئین و النصاری و المجوس و الذین اشرکوا ان الله یفصل بینهم یوم القیامة). مگر نه این است که یکی از نامهای قیامت یوم الفصل، روز جدائی حق از باطل است، یوم البروز روز آشکار شدن مکتومها، و روز پایان گرفتن اختلافات است. آری خدا در آن روز به همه این اختلافات پایان می دهد چرا که «او از همه چیز آگاه و با خبر است» (ان الله علی کل شیء شهید).

نکته ها:

۱- پیوند آیات

پیوند این آیه با آیات قبل از این نظر است که در آیه قبل سخن از هدایت الهی در دلهای آماده بود، ولی از آنجا که همه دلها آماده نیست و تعصبا و لجاجتها و تقلیدهای کورکورانه سد محکمی در برابر پذیرش هدایت است لذا می گوید این گروه بندیها و اختلافات در میان عده ای همچنان تا دامنه قیامت باقی خواهد ماند و تنها در آن روز همه خفایا آشکار می گردد و اختلافات بر چیده خواهد شد.

بعدها

فرست

قبل